

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۶
پاکی را بر دست همه ریخت و ادعا کرد: "ما باید در مورد تغییرات محیط زیست بیشتر بدانیم. مشکل را آنگاه آسانتر می توان حل کرد که بیشتر در باره آن بدانیم." این بدان معناست که تا زمانی که آقای بوش نتایج بررسی دانشمندان و محققین در این زمینه را مطالعه کند، باید دست روی دست گذاشت.

جالب توجه است که بسیاری از فعالان علیه فقر در آفریقا از دو هنرمند برگزار کننده کنسرت بزرگ لایو ۸ خواستند که اعلام کنند "مردم حرف خود را زده اند اما سیاستمداران اقدامی جدی نکردند" اما هر دو آنان نه تنها از اعلام این امر خودداری کردند، بلکه نتیجه این نشست را تبلیغ نموده و اعلام پیروزی کردند. این در حالی بود که شخص بلر نتیجه را "تقریباً نارضایت بخش" خواند. البته این سازمانها نیز خود به دام بلر و کمپانیهای بزرگ افتادند و کنسرت مذکور را حمایت کرده بودند.

واقعیت این است که مردم امکان رساندن صدای خود را نه از سوی کشورهای بزرگ صنعتی و نه از سوی کنسرت یاد شده نیافتند. نتیجه این همه جنجال به پا شده، قولهای نسبی و نصفه - نیمه ای بود که به مردم فقیر آفریقا داده شد.

شانه سایه تروریسم و میلیتاریسم

انفجار در ایستگاه های مترو و خطوط اتوبوسرانی لندن، هنگام نشست سران ۸ کشور جهان برای بوش و بلر آن چنان که وانمود می کردند، دلخراش و ناراحت کننده نمی توانست باشد.

واکنش بوش و بلر به این حادثه نشان داد که چگونه تروریسم نه تنها نتوانسته است در نابودی امپریالیستها تأثیری داشته باشد بلکه، با ایجاد هراس و وحشت و ناهمگونی سیاسی در بین توده های مردم، بهانه ای بدست امپریالیستها برای پیشبرد سیاستهای میلیتاریستی و سرکوبگرانه داده است. همچنان که رهبران سیاسی و اکثر رسانه ها در بریتانیا از این بمب گذاری سود جسته و خواستار حملات شدیدتر به آزادیهای اجتماعی شدند.

این انفجارها که جان مردم عادی را هدف گرفته و ایجاد رعب و وحشت می کند، به هر دلیلی که صورت بگیرد، محکوم است. نتیجه این اعمال نه تنها از دست رفتن جان مردمی است که هیچگونه دخلتی

در تصمیم گیریهای حکومت نداشته اند بلکه، در واقع نشست جی ۸ تحت رهبری بوش و بلر را به اوکازین تازه ای که بر لزوم جنگ در عراق و "جنگ علیه تروریسم" تائید بیشتری بگذارد، غنی کرد. بوش و بلر از مفر تازدی بوجود آمده برای پیشبرد اهداف سیاسی خود سود جستند. تنها چند ساعت پس از این انفجارها، بوش در برابر دوربینهای تلویزیون گفت: "جنگ علیه تروریسم ادامه دارد." در همین رابطه بسیاری از رسانه ها از مردم خواستند که آزادیهای خود را فدای جنگ با تروریسم کنند.

در همین حال، این دو سرکرده امپریالیستها تا حد امکان تلاش کردند رابطه ای میان بمب گذاری و حمایت از جنگ در عراق و افغانستان دیده نشود.

هنگامی که جورج گلوی، تنها چهره سیاسی سرشناس که در حال حاضر عضو پارلمان نیز می باشد، اظهار کرد که بین این بمب گذاری و حمایت از جنگ رابطه ای وجود دارد، شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت. آقای گلوی که از حزب کارگر به خاطر مخالفت با جنگ در عراق اخراج شده بود در پارلمان گفت: "مردم لندن بهای جنگی که به رهبری آمریکا در افغانستان، عراق و گوانتانامو جریان دارد و سبب نفرت از غرب در بین مسلمانان شده است را پرداختند."

از میان افرادی که او را غرق در ناسزا کردند، وزیر نیروی زمینی، آدام اینگرام دیده می شد. او گفت: "گلوی زبان زهر آلودش را در حوضی از خون فرو برده است" و روزنامه دیلی میورر نوشت: "او میکروفن قاتلان روانی شده است." تمام حملات به نظریه رو به افزایش گذاشتن اعمال تروریستی در واکنش به سیاستهای جنگ طلبانه آمریکا و انگلیس به این سبب است که با پیشبرد اهداف جنگ طلبانه رهبران نامبرده در تضاد است. آنها نمی خواهند مردم در مخالف با جنگ با یکدیگر متحد و همصدا گردند.

آیا برابری نابودی محیط زیست انسان رادر معرض خطرانی جدی قرار داده است؟

اگر چنانچه ما سوار اتوموبیلی باشیم و صدای در شکسته یا اختلال در کار موتور و غیره را بشنویم و یا اینکه نفوذ هوای گرم یا سرد به داخل به ما اعلام کند که شیشه ای شکسته، اگر بوی بنزین به مشاممان بخورد و اگر گرفتن ترمز سخت و غیر عادی باشد به چه اقدامی دست می زنیم؟ مگر نه این است که قبل از نابودی موتور توقف می کنیم و تلاش می کنیم

که اشکال را یافته و آنرا رفع یا تعمیر کنیم، حتی اگر مخارج سنگینی به بار بیاورد؟

وضع کنونی محیط زیست هم در حال حاضر بدین صورت است. شواهد علمی و عینی این خطرات را به جهانیان گوشزد می کند: بالا رفتن درجه حرارت کره زمین در اثر فعالیتهای بشر، افزایش تدریجی دمای کره زمین که اثرات آن سیلهای خانمان برانداز، خشکسالی، طوفان و آب شدن توده های یخ، بالا رفتن آب دریا، افزایش آفتهای گیاهی و نابودی حیوانات و گیاهان را در پی داشته است. تمامی موارد قید شده به از بین رفتن جان انسانها، بیماری و بی خانمانی انجامیده است.

از سران ۸ کشور صنعتی که در گردهمایی جی ۸ در اسکانلند شرکت می کردند انتظار می رفت که موضوع تخریب محیط زیست را بطور جدی و واقعی در دستور کار خود قرار دهند، به ویژه با توجه به این امر که کشورهای مزبور با داشتن تنها ۱۸ درصد از جمعیت جهان، ۴۵ درصد گازهای گلخانه ای را تولید می کنند. اما این انتظار خوشبینانه ای بیش نبود.

جورج دلیو بوش حتی قبل از شروع میتینگ، پیوستن به پروتکل کیوتو و یا رفتن زیر بار هرگونه تعهد دیگری را در این زمینه رد کرد.

از سوی دیگر، محیط زیست در هیچ یک از کنسرتها لایو ۸ نیز مطرح نگشت. این در حالی است که مساله آفریقا و حفظ محیط زیست با یکدیگر پیوستگی مستقیم دارند. زیرا تمام عواملی که زندگی در آفریقا را امروز سخت و مشقت بار گردانیده است، با گرم شدن بیشتر کره زمین وخامت بیشتری را به دنبال خواهد داشت. کمبود آب آشامیدنی پاکیزه، بیماریهای بیشتری را به بار می آورد. نابودی محیط زیست آنچنان صدماتی به آفریقا وارد خواهد آورد که تمامی تلاشهای احتمالی کشورهای ثروتمند مانند لغو بدهی، افزایش کمک و آزادی تجارت نیز دردی را درمان نخواهد کرد.

بلر معتقد است که جامعه تجاری حاضر نخواهد شد وظیفه پایین آوردن تولید گاز کربن را به دوش بگیرد و باید بر روی تکنولوژی جدید سرمایه گذاری شود. روشن است که این ادعا نشان می دهد، بلر حاضر نیست اقدامی علیه کمپانیهای بزرگ که تولید کننده آلاینده های هوا هستند، انجام دهد.

در ۲۰ سال آینده، کشورهای چین، هند و دیگر کشورهای در حال توسعه همچنان که به رشد اقتصادی بیشتر دست می یابند،

تولید گاز کربنیک بیشتری نیز خواهند داشت. با این حال، کشورهای مزبور هیچ گونه تعهدی به کاهش مواد آلاینده هوا نداده اند. بر فرض آن که کشورهای توسعه یافته نیز اقدامی در جهت حفظ محیط زیست انجام دهند، ایجاد آلودگی هوا از سوی این کشورها باز هم وضع را به وخامت خواهد کشاند.

بودجه نظامی جهان رکورد یک تریلیون دلار را نیز شکست

در سال گذشته مخارج نظامی جهان از یک تریلیون دلار هم بالاتر رفت. افزایش ایجاد شده که به ۱/۰۴ تریلیون دلار بر آورد شده است، نتیجه مستقیم اقدامات نظامی آمریکای شمالی است.

اکنون شش سال پیاپی است که این مقدار رو به افزایش گذاشته است. جنگ علیه عراق به سرکردگی آمریکای شمالی، افزایشی ۵ درصدی در هزینه های نظامی جهان ایجاد کرده است. از این میزان، مبلغ ۴۵۵ میلیارد دلار) نزدیک به نیمی از آن) به ایالت متحده آمریکا تعلق دارد. سهم آمریکا به تنهایی مساوی است با مخارج نظامی بیش از ۳۲ کشور جهان که بعد از آن از مسلح ترین کشورهای جهانند.

در سال ۲۰۰۴، ۱۵ کشور، ۸۲ درصد مخارج نظامی جهان را هزینه کردند. ۵ کشور ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، ژاپن و چین، ۶۴ درصد از این مقدار را به خود اختصاص داده اند.

در سال گذشته بزرگترین رشد در آسیای جنوبی بوده که ۱۴ درصد افزایش بودجه نظامی را دارا بوده است. این بیشتر به دلیل افزایش بودجه نظامی هند به میزان ۱۵ میلیارد دلار می باشد. رشد بودجه نظامی در چین از ۱۱/۵ به ۷ درصد (۳۵ میلیارد) کاهش یافت و همزمان، میزان رشد بودجه نظامی روسیه با نرخ ۵ درصدی به ۱۹ میلیارد رسید.

جالب توجه است که در لیست منتشر شده از سوی خبرگزاری رویتر، جمهوری اسلامی در ردیف بیست و سوم قرار گرفته است.

پرسش این است، در حالی که گرسنگی، فقر و بیماری هنوز جان میلیونها نفر از مردم جهان را در معرض خطر قرار می دهد، مخارج کلان نظامی منافع چه کسانی را تامین می کند؟ این سوالی است که در برابر کسانی که به ظاهر دم از حفظ حقوق بشر و امنیت ملی و مدرنیسم یا مذهب و دین می زنند اما از محل کار مردم زحمتکش جهان برای حفظ حکومت و ثروت خود

بقیه در صفحه ۸